

هویت زبانی - قومی به مثابه هویت ملی

(بررسی میزان گرایش به آشکارسازی هویت زبانی ترک‌زبانان ساکن تهران)

زهرا ابوالحسنی چیمه (عضو هیئت علمی مرکز تحقیق سازمان سمت)

ملیحه مالمیر (دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه علوم و تحقیقات تهران)

چکیده: با فرض اینکه در به‌دست دادن تصویری دقیق از مؤلفه‌های هویت قومی، زبان در میان مؤلفه‌های هویت قومی در مناطق دوزبانه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، فرضیه اصلی این تحقیق این است که افراد ترک‌زبان ساکن تهران تمایل دارند که هویت قومی خود را نشان دهند. در این مقاله تلقی هویت قومی به مثابه هویت ملی، اما در اندازه‌ای محدودتر، تأیید می‌شود و نشان داده می‌شود که اگرچه ترک‌زبانان تهران از زبان به‌عنوان رسانه‌ای برای تظاهر هویت قومی بهره می‌گیرند اما این هویت فراتر از خاستگاه جغرافیایی و نژادی، تنها به‌عنوان عاملی وحدت‌بخش برای گویشوران آن عمل می‌کند. با این نگاه این رسانه در خدمت گونه‌ای از هویت ملی عمل می‌کند. جامعه آماری این تحقیق را افراد ترک‌زبان ساکن تهران تشکیل می‌دهند که میزان همبستگی متغیرهای مستقل جنسیت، تاهل، سن و تحصیلات در آنها با نماد هویت قومی یعنی زبان مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که حدود ۷۰/۸ درصد از افراد ترک‌زبان

ساکن تهران تمایل داشتند که هویت قومی خود را آشکار کنند. همچنین نتایج حاصل نشان داد که بین جنسیت، تأهل، سن و تحصیلات به‌عنوان متغیرهای مستقل و هویت قومی، به‌عنوان متغیری وابسته رابطه معناداری وجود دارد. مردان، متأهلان، مسن‌ترها و کم‌سوادترهای ترک‌زبان تمایل بیشتری به حفظ و تظاهر هویت قومی خود دارند.

کلیدواژه‌ها: هویت، زبان، ترک‌زبان، هویت ملی، هویت قومی

۱. مقدمه و طرح مسئله

موضوع هویت از زمانی که انسان پا بر روی کره خاکی نهاد و خود را بازشناخت و به شباهت‌ها و تفاوت‌های خود با دیگر انسان‌ها وقوف یافت، مطرح بوده است. انسان‌ها از دیرباز به دنبال ویژگی‌هایی بوده‌اند که خود، قبیله، قوم و ملت‌شان را از یک‌سو به دیگرانی که مشابه‌اند نزدیک کنند و از سوی دیگر از دیگرانی که متفاوت‌اند متمایز سازند، به طوری که زندگی فردی و اجتماعی بدون هویت غیرممکن می‌نماید. اما مفهوم هویت از دوایر تودرتویی بهره‌مندی می‌برد که هرکدام از این دایره‌ها تعریفی وابسته به مولفه‌ای خاص دارند. به این مفهوم که اولاً برخی هویت‌ها زیرمجموعه هویت‌های دیگرند و ثانیاً یک انسان دارای مجموعه‌ای از هویت‌های گوناگون است. در حالت کلی، هویت قومی زیرمجموعه هویت ملی و هویت ملی دربردارنده مجموعه‌ای از هویت‌های دینی، زبانی، قومی و غیره است. در این میان زبان ویژگی منحصر به فردی دارد. از یک طرف خود می‌تواند هویت معینی را تعریف کند و از طرف دیگر رسانه‌ای برای تعریف و آشکارسازی هویت‌های دیگر است. در واقع، زبان مؤلفه بسیار کلیدی در ایجاد، ابراز و شکل دادن به هویت است. پس انتظار می‌رود تمایلات هویت قومی را بتوان، به جز در لباس و آداب و رسوم، بیش از همه در زبان جستجو کرد. فیشمن (۲۰۱۰: ۲۸) معتقد است آنچه زبان است، به شدت بافت‌وابسته است، قومیت نیز به شدت بافت‌وابسته است، اما هویت از هر دوی این‌ها بافت‌وابسته‌تر است. این مفهوم به شدت به شرایط و تقابل‌هایی که بر آن تحمیل می‌شود، آن را تغییر می‌دهد و آن را خلق یا بازآفرینی می‌کند و وابسته است.

مطالعات بر روی زبان‌های ملی و زبان‌های معیار و معیارهای زبانی (روش‌های صحیح یا غیر صحیح استفاده از زبان) نشان داده است که زبان‌ها با هویت‌های ملی در ارتباط هستند و در زندگی افراد نقش مهمی را ایفا می‌کنند. در واقع زبان و هویت غیر قابل جداسازی هستند (جوزف ۲۰۰۴: ۱۶۲).

جوزف همچنین معتقد است هویت قومی به هویت ملی بسیار وابسته است و قوی‌ترین نوع هویت ملی است. هویت قومی بیشتر بر مشترکات گروه‌ها و فرهنگ‌ها تمرکز می‌کند، در حالی که هویت ملی بر مرزهای سیاسی تأکید دارد (همان: ۱۶۳).

میرمحمدی (۱۳۷۴: ۱۳) زبان را از جمله ابعاد هویت می‌داند که، به‌عنوان بخشی از هویت فرهنگی یک جامعه، ارتباط تنگاتنگی با تطور و تداوم نیت گروه‌های انسانی دارد. زبان بستر شناخت و انتقال هویت در توالی نسل‌هاست. از این‌رو است که در به‌دست دادن تصویری دقیق از مؤلفه‌های هویت قومی گویشوران یک زبان و جایگاه آن، زبان در میان مؤلفه‌های هویت قومی در مناطق دوزبانه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با این پیش فرض که زبان اصلی‌ترین نماد هویت است، و با در نظر گرفتن این نکته که افراد آزمودنی فارغ از مرز جغرافیایی مورد تعلق^۱ بررسی شده‌اند، تحقیق حاضر در زمینه بررسی میزان گرایش به هویت قومی با استفاده از ابزار زبان صورت گرفته و در صدد پاسخ به پرسش‌هایی از این دست است که:

آیا افراد ترک‌زبان ساکن تهران تمایلی به آشکارسازی هویت قومی خود دارند؟
متغیرهای مستقل اجتماعی جنسیت، تاهل، سن و میزان تحصیلات افراد چه تأثیری در گرایش آنها به آشکارسازی هویت قومی دارد؟
برای دست یافتن به پاسخی مناسب برای هر یک از پرسش‌های بالا، فرضیه‌های زیر مورد نظر قرار گرفته‌اند:
افراد ترک‌زبان ساکن تهران به‌طور کلی تمایل دارند که هویت قومی خود را آشکار کنند.

۱. این تحقیق فقط زبان ترکی را به‌عنوان شاخص هویت قومی مدنظر داشته است و نسبت به خاستگاه جغرافیایی افراد کاملاً بی‌تفاوت بوده است.

مردان، متأهلان، مسن‌ترها و کم‌سوادترها گرایش بیشتری به آشکار کردن هویت قومی خود دارند.

آنچه شفاف‌سازی آن در همین‌جا لازم به‌نظر می‌رسد، تفاوت اصطلاح قوم^۱ و قومیت در فرهنگ ایرانی و غربی است. اگرچه این تفاوت درجای خود توضیح داده خواهد شد، اما اشاره‌ای هرچند کوتاه لازم است. قوم در فرهنگ غربی به‌معنای بیگانه، مهاجر و اقلیت است درحالی‌که در فرهنگ و زبان ایرانی قوم به معنای بخشی از ملیت و پاره‌ای از ملت است. ایران مجموعه‌ای از اقوام است که بدون هریک مفهوم ملیت و ایرانی بودن کاملاً تهی و بی‌معناست. نگارندگان این مقاله بر این باورند که سرزمین پهناور ایران قدرت و قداست خود را مرهون اقوام متنوعی است که هزاران سال است ساکنان بلامنازع آن‌اند. هویت قومی مردم ایران بخشی از هویت ملی آنان است و بدون تمایل به آشکارسازی هویت قومی و تنوعات گویشی، هویت ملی نیز معنای زیبای امروزی خود را نخواهد داشت.

۲. پیشینه تحقیق

بررسی و پژوهش پیرامون موضوع این تحقیق با زوایای دید گوناگونی مورد نظر قرار گرفته است. اما این پژوهش‌ها بیشتر مبتنی بر نگاه‌های جامعه‌شناختی در کل بوده و به زبان و گویش به‌صورت خاص پرداخته نشده است. درواقع در اکثر آنها موضوع هویت قومی و ملی در منظری کلان مورد بررسی قرار گرفته است. به‌طور مثال «هویت قومی و رابطه آن با هویت ملی» در پژوهش یوسفی (۱۳۸۰) یکی از این تحقیق‌هاست. وی نتیجه می‌گیرد که روابط مبتنی بر همکاری اقوام، تأثیر مثبت و معناداری بر میزان تعلق و وفاداری به اجتماع ملی دارد، یعنی با افزایش همکاری بین قومی، هویت ملی اقوام تقویت می‌شود.

در نتایج پژوهشی دیگر چنین آمده است: «بین کسانی که دارای هویت قومی هستند (آذری، کرد، بلوچ و مانند آن) و زبان مادری آنها فارسی نیست و کسانی که زبان مادری‌شان فارسی است، از نظر اعتقاد به هویت ملی، تفاوتی وجود ندارد و هر دسته،

1) ethnic group

تقریباً به یک اندازه به هویت ملی خود آگاه و بدان پایبندند» (ربانی ۱۳۸۱: ۱۸۱). احمدلو (۱۳۸۶) در رساله خود با عنوان *رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین نوجوانان تبریز* به این پرسش‌ها پرداخته است که جوانان تبریز تا چه میزانی به هویت ملی پایبند هستند و چه میزانی از هویت قومی را دارا هستند و چه رابطه‌ای بین این دو نوع هویت جمعی وجود دارد؟ در این تحقیق برای سنجش میزان هویت ملی از مؤلفه‌های آن، مانند گرایش به زبان و ادبیات فارسی، میراث فرهنگی ملی، وابستگی ملی، گرایش سیاسی و گرایش دینی، استفاده شده است. همچنین برای سنجش میزان هویت قومی، از مؤلفه‌هایی نظیر، گرایش به زبان و ادبیات ترکی، موسیقی ترکی، گرایش به تاریخ قومی و وابستگی قومی استفاده شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که جوانان تبریز، در عین گرایش به هویت ملی، نسبت به هویت قومی نیز گرایش قوی دارند و بین این دو نوع هویت جمعی، رابطه مثبتی برقرار است.

یکی از نزدیک‌ترین پژوهش‌ها به پژوهش حاضر که در چارچوب زبان‌شناسی اجتماعی صورت گرفته است، مقاله داوری اردکانی است. داوری (۱۳۸۶) در مقاله خود با عنوان «نمادهای هویت ایرانی و زبان فارسی» به بررسی رابطه هویت و زبان می‌پردازد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مردم، موارد گوناگونی را به‌عنوان مؤلفه‌های هویت ملی ایرانی می‌دانند و به‌نظر می‌رسد که زبان فارسی در زمره مهم‌ترین نمادهای هویت ملی ایرانی است و دو متغیر سن و هویت صنفی در تلقی مردم از زبان فارسی، تأثیری بسزا دارند. به این ترتیب که می‌توان گفت «هویت پدیده‌ای پویاست که در طول زمان و در گروه‌های مختلف تغییر می‌کند».

اما در میان محققان غیرایرانی، برتا (۱۹۹۶: ۲۰-۲۵) در تحقیق خود با عنوان «شکل‌گیری هویت‌های قومی مختلف در بین مهاجران مجارستانی آمریکایی» به بررسی تغییرات زبانی و اجتماعی در بین مهاجران مجارستانی می‌پردازد. نتیجه به‌دست‌آمده از این تحقیق کاهش تمایل به استفاده از زبان مجاری مخصوصاً در نسل دوم مهاجران را نشان می‌داد.

فرنچ (۲۰۰۶) در طی سه سال تحقیق درخصوص هویت قومی سه گروه از آمریکایی‌های آفریقایی، لاتین و اروپایی تبار دریافت که افتخار به گروه قومی خود در

دو گروه آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار و لاتین‌تبار نسبت به آمریکایی‌های اروپایی‌تبار کمتر است. اما نتایج دیگر تحقیق وی نشان داد که طی سه سال، توجه به هویت قومی در بین دو گروه نخست نسبت به آمریکایی‌های اروپایی‌تبار افزایش داشته است.

شمایی (۲۰۰۳) معتقد است که نباید درباره رابطه دو متغیر هویت ملی و قومی نگاهی ساده‌انگارانه داشت بلکه رابطه بین قومیت و ملیت‌گرایی بسیار پیچیده و در بین گروه‌های مختلف، متفاوت است و از الگوی یکسانی تبعیت نمی‌کند.

یوماناتایلر و فاین در سال ۲۰۰۴ در تحقیقی تلاش کرده‌اند تا به نقش متغیر جامعه‌پذیری قومی بر هویت قومی چهار گروه قومی - دانش‌آموزی کلمبیایی، گواتمالایی، مکزیکی و پورتوریکویی در آمریکا بپردازند. نتایج تحقیق نشان داد که در خانواده‌هایی که به ارزش‌ها و سنت‌های قومی توجه بیشتری داشته‌اند، فرزندان نیز گرایش‌های قوم‌گرایانه بیشتری از خود بروز داده‌اند.

برون در سال ۱۹۹۵ در تحقیقی با عنوان «بررسی توسعه هویت قومی در بین دانش‌آموزان گروه اقلیت و اکثریت ایالت کبک کانادا» نشان داد که دانش‌آموزان اقلیتی که توانایی بیشتری در استفاده از زبان مادری‌شان دارند، از هویت قومی بالاتری نسبت به دیگر دانش‌آموزان برخوردار بوده‌اند. چنین نتیجه‌ای در تحقیق یوماناتایلر و یازدجیان (۲۰۰۶) در سال ۲۰۰۵ در بین مهاجران پورتوریکویی و مکزیکی در آمریکا نیز گزارش شده است.

یوماناتایلر (۲۰۰۸) در تحقیقی با عنوان «بررسی هویت قومی مهاجران در شهر ایلی‌نوی» تأثیر مثبت متغیرهای احساس محرومیت و تبعیض، عزت‌نفس و شیوه اجتماعی کردن خانواده در برجسته شدن هویت قومی اعضای گروه‌های قومی را نشان داد.

ساباتیر (۲۰۰۸) در بین نسل دوم مهاجران پنج گروه قومی الجزایری، ویتنامی، پرتغالی، موراکوی و آنتالیایی در بلژیک، به تأثیر متغیرهای احساس محرومیت، جامعه‌پذیری قومی و همچنین گروه همسالان در برجستگی هویت قومی پرداخت که در این میان، تأثیر متغیر خانواده، نسبت به دو متغیر دیگر بیشتر بوده است.

گیل (۲۰۰۹: ۸-۱۰) در مقاله‌ای با عنوان «هویت‌های قومی و ملی در جوامع چند

قومیتی» به بررسی نقش زبان در شکل‌گیری هویت‌های قومی می‌پردازد. وی نتیجه می‌گیرد زبان یک بعد از مؤلفه‌های هویت قومی در این جوامع را تشکیل می‌دهد و ابعاد تاریخی و فرهنگی و مذهبی نیز در گرایش افراد به هویت قومی نقش مهمی دارند.

لویکی (۲۰۱۰: ۱۴۳-۱۶۱) نیز در مقاله خود به بررسی شکل‌گیری هویت‌های زبانی در بین مهاجران بوتانی در جنوب فیلادلفیا می‌پردازد. در این مقاله گرایش به هویت قومی و ملی از طریق زبان در این افراد مورد بررسی قرار گرفته و این نتیجه به دست آمده است که آنها دارای هویت‌های چندگانه‌ای بودند که در موقعیت‌های مختلف رسمی و غیر رسمی از آنها استفاده می‌کردند.

۳. چهارچوب نظری

هویت ملی افراد ضرورتاً با تولد آنها آغاز می‌شود و موقعیت اولیه افراد است و بدون تغییر باقی می‌ماند. یکی از اولین و بزرگ‌ترین موانعی که باید در هویت ملی بر آن غلبه شود، فقدان زبان ملی است (جوزف ۲۰۰۴: ۹۸).

جوزف (همان‌جا) نشان می‌دهد که چطور هویت‌های ملی، قومی و دینی از طریق زبان ساخته می‌شوند و مطالعات زبانی در صورتی می‌توانند معنی‌دار باشند که هویت را در نظر گرفته باشند زیرا هویت قلب زبان است. از نظر جوزف (همان: ۹۸) حتی عده‌ای عقیده دارند که زبان هویت را به وجود می‌آورد. جوزف (همان: ۱۳) به بررسی رابطه زبان و هویت پرداخته است و ذکر کرده است که زبان و هویت غیرقابل جدا شدن هستند. اهمیت زبان به‌عنوان نشانگر هویت به این معنا است که تنوعات زبانی اعضای جوامع، طبقه اجتماعی افراد، گروه‌های ملی و قومی، جنسیت و سن و... را نشان می‌دهند. در مورد تفاوت هویت ملی و قومی می‌توان گفت که بیشتر صاحب‌نظران اتصال بین هویت ملی و قومی را باور دارند و تفاوت آنها را در مقیاس می‌دانند، نه در اصول کلی (ادواردز ۲۰۰۹: ۱۸).

اما یکی از افرادی که به رابطه بین زبان و هویت ملی می‌پردازد، اوکز است. اوکز (۲۰۰۱)، به مقایسه سیاست‌های زبانی آشکار (دولتی و رسمی) با سیاست‌های زبانی پنهان (نگرش‌های مردم) و آزمایش نقش زبان در راهبردهای هویت می‌پردازد.

اوکز (۲۰۰۱) به دو نوع ارتباطی که سخنگویان هر زبان ممکن است با زبانشان ایجاد کنند، اشاره می‌کند: ارتباط عاطفی و ارتباط ابزاری. به نظر او، وقتی سخنگوی یک زبان، به زبان خود به‌عنوان ابزاری کارآمد در امر ارتباط می‌نگرد، طبیعتاً رابطه‌ای عاطفی نیز با آن پیدا می‌کند و به‌وجود آمدن این رابطه عاطفی زمینه‌ساز تبدیل زبان به مؤلفه‌ای از هویت می‌شود و مجدداً وقتی بین زبان و سخنگوی زبان رابطه عاطفی پدید آمد، به کارآمد کردن هرچه بیشتر زبان نیز توجه می‌شود. به این ترتیب، پیوند نقش‌های ابزاری و عاطفی زبان می‌تواند زمینه‌ساز تبدیل زبان به نماد هویت باشد. ارتباط بین زبان و هویت، ثابت و قابل پیش‌بینی نیست و در طی زمان و از یک کشور به کشور دیگر متفاوت می‌شود. در بعضی موارد زبان به‌عنوان مهم‌ترین عنصر هویت در نظر گرفته می‌شود و در موارد دیگر زبان نادیده گرفته می‌شود یا به آن اهمیت داده نمی‌شود.

هویت نشان می‌دهد که شما چه کسی هستید و اگر این سؤال از کسی پرسیده شود، اولین پاسخی که انتظار می‌رود، این است که فرد نام خود را بیان کند. دو جنبه اصلی برای نشان دادن هویت یک شخص، اول نام اوست که او را از افراد دیگر متمایز می‌کند و دوم چیزی عمیق‌تر است که نشان می‌دهد او واقعاً کیست. انواع اصلی هویت ۳ گروه هویتی زیر را دربرمی‌گیرد: (۱) هویتی برای افراد واقعی و هویتی برای شخصیت‌های افسانه‌ای، (۲) هویت خود و هویت دیگران، (۳) هویت فردی و هویت گروهی (جوزف ۲۰۰۴: ۳).

همان‌طور که ادواردز (۲۰۰۹: ۱۳۴) اعتقاد دارد، بعید است که بعضی از گروه‌ها برای زبانشان ارزش کمتری قائل شوند، چیزی که بیشتر احتمال دارد این است که بعضی از گروه‌ها در موقعیت‌های مختلف قرار می‌گیرند و به سازگاری‌های بیشتری نیاز دارند. در ادامه به بررسی ارتباط بین زبان و هویت قومی و توضیح این مفاهیم می‌پردازیم.

۱.۳. هویت

ذات هویت براساس شباهت است و چیزهایی که شبیه هم هستند، یکسان هستند. کلمه identity از ریشه لاتین idem گرفته شده است و این معنی اصلی است که مفهوم هویت را پی‌ریزی می‌کند و برای نشان دادن شخصیت به کار می‌رود و دلالت می‌کند بر عینیت یک فرد در همه زمان‌ها یا همه موقعیت‌ها. همان‌طور که فرهنگ لغت نشان می‌دهد،

هویت به‌معنی این حقیقت است که یک شخص خودش است و نه کس دیگر. هویت می‌تواند یک پیوستار را نشان دهد که نشان‌دهنده‌ی ارتباط مهم و روشنی بین هویت فردی و هویت گروهی است (ادواردز ۲۰۰۹: ۱۹).

صاحب‌نظران در تعریف هویت به جنبه‌های مختلفی پرداخته‌اند. هویت واژه‌ای عربی است که از ضمیر غایب هو و یت سازنده‌ی مصدر جعلی، تشکیل شده است. فارسی‌زبانان این کلمه را معادل واژه انگلیسی identity استفاده می‌کنند. هویت از مفاهیم بنیادین علوم اجتماعی و به‌ویژه جامعه‌شناسی فرهنگی است و مثل دیگر مفاهیم، بر سر تعریف آن اختلاف نظر وجود دارد. اندیشمندان حوزه‌های گوناگون، سطوح مختلفی را برای هویت مطرح کرده‌اند، مثلاً روان‌شناسانی مانند پیازه و فروید، اساس شکل‌گیری هویت انسان را در مراحل مختلف رشد او می‌دانند. از نظر آنان، هویت از سطح فردی آغاز می‌شود و با گذر از لایه‌های اجتماعی، در احساس هویت ملی - که عالی‌ترین سطح هویت است - به تکامل می‌رسد. همچنین پیازه رابطه‌ی بین محیط و انسان را دوسویه می‌بیند و هویت را نتیجه‌ی تعامل مداوم سطح واقعی پیشرفت فرد از یک‌سو و ویژگی‌های محیط از سوی دیگر می‌بیند (بوزان ۲۰۰۴).

بنابراین می‌توان گفت که هویت نیازی طبیعی در وجود انسان است. انسان ذاتاً به شناخته شدن نیازمند و از اینکه فراموش شود، سخت‌گیران است. از این‌رو هویت کلی انسان از مجموع هویت‌هایی ساخته می‌شود که در این دوره‌ها و مراحل متعدد زندگی شکل می‌گیرد، با توجه به این نکته که هویت‌های اخیر، هویت‌های قبلی را الزاماً نفی نمی‌کنند (شیخ‌وندی ۱۳۷۹: ۷).

از دیدگاه گامپرز (۱۹۸۲)، هویت‌ها به‌واسطه‌ی یافتن هویت‌های جدید یا برگشت به هویت‌های قدیمی همیشه در حال تغییر بوده‌اند و زبان به‌عنوان نشانگر هویت در سطح ملی و قومی بسیار مهم است. لهجه و تنوع زبانی افراد، عضویت آنها را در طبقه‌های اجتماعی خاص، جوامع، طبقات قومی و گروه‌های ملی نشان می‌دهد.

اما از سوی دیگر والکر کونور (۱۹۷۸: ۳۸۶) معتقد است که هویت‌های ملی ضرورتاً با اتصالات قومی در ارتباط هستند و این بیشتر در مورد جمعیت‌های مهاجر دیده می‌شود. سیاست و قدرت و برجستگی می‌تواند در شکل‌گیری هویت‌های قومی

قراردادهایی را ایجاد کند. فرهنگ‌ها بر هویت قومی تأثیرگذار هستند و به همین دلیل است که هویت‌های قومی در حال تغییرند و همواره ثابت نیستند.

۲.۳. زبان

نمود مفهوم زبان، گسترده‌تر از مفهوم هویت است. زبان را پایه و مایه فرهنگ، تاریخ‌ساز و مهم‌ترین وسیله انتقال تجربیات، دانش و بینش بشری و ظرف ذخیره‌سازی اندیشه نسل‌های پیشین و فرهنگ نیاکان دانسته‌اند (فالک ۱۳۷۳: ۳۳). زبان عمده‌ترین ابزار یادگیری بشر در جریان کنش متقابل است و برخی آن را ابزار تفکر انسان تلقی کرده‌اند.

اگر یک زبان به عنوان نماد هویت قلمداد شود، دارای شأن هویتی است. برخی از پژوهندگان این حوزه غایت و مهم‌ترین انگیزه برنامه‌ریزی زبان را کسب هویت دانسته‌اند. با چنین نگرشی، می‌توان تصور کرد که زبان به عنوان ابزاری برای تثبیت هویت و در نتیجه نماد هویت یک گروه مورد استفاده قرار گیرد (داوری ۱۳۸۵: ۱۷-۱۹).

در دوران معاصر، سهم زبان در تکوین هویت جمعی انسان مورد مطالعه و توجه جدی دانشمندان قرار گرفته است، به طوری که نظریات مختلفی را برانگیخته است. از عمده‌ترین ویژگی‌های زبان، تأثیر آن در ایجاد همبستگی گروهی است، همچنین زبان را یکی از مؤلفه‌های سازنده شخصیت ملت شمرده‌اند (لیاماس و وات ۲۰۱۰: ۱۱۳).

زبان یک ملت در دنیای هویت و هویت‌شناسی، نظام معنایی یک ملت را تشکیل می‌دهد و هویت افراد در سطح قومی و ملی تا حدود زیادی به زبان مادری آنها بستگی دارد، زیرا زبان بخش انکارناپذیری از متن فرهنگی جامعه را معرفی می‌کند که فرد با استفاده از آن تمایز خود را از اقوام و ملل دیگر مطرح می‌سازد (برگر و لوکمان ۱۳۷۵: ۵۸).

۳.۳. هویت قومی

واژه‌های قومیت‌گرایی و هویت قومی که با هم هم‌معنی هستند، دارای مفاهیم پیچیده‌ای هستند. از نگاه یک اروپایی، مانند اوکز، قومیت و هویت قومی در زبان روزمره برای ارجاع به اقلیت‌های قومی به کار می‌روند (اوکز ۲۰۰۱: ۳۲). در فرهنگ غربی صفت ethnic اغلب همراه است با موضوعاتی که به عنوان بیگانه یا غیراروپایی در نظر گرفته

می‌شود. در استرالیا، معنی آن حتی محدودتر هم شده است و مربوط می‌شود به اعضای یک جامعه که اغلب مهاجر یا از نژاد مهاجرانی هستند که زبان اصلی‌شان انگلیسی نیست. زبان‌شناسی قومی برای اولین بار به‌وسیلهٔ جایلز و جانسون (۱۹۸۱) به‌دنبال توسعهٔ نظریهٔ هویت اجتماعی شکل گرفت و تئوری هویت قومی توسط کلمنت و نولز (۱۹۹۹): (۲۴) مطرح شده است (نک: گودرزی ۱۳۸۴). این تعاریف از هویت قومی، ریشه در تعریف فرهنگ غرب از قومیت دارد که به‌کلی با بحث آن در ایران متفاوت است و بنابراین چارچوب‌های تلقی آن را نمی‌توان در مورد هویت قومی در ایران به‌کار گرفت. آنچه ما در این مقاله و در کل در اصطلاحات رایج زبان‌شناسی اجتماعی به‌عنوان هویت قومی می‌شناسیم و به آن باور داریم، با آنچه در فرهنگ زبانی غربی از آن یاد می‌شود، تفاوت اساسی دارد. قوم و هویت قومی در فرهنگ ایرانی به اقوام اصیلی اشاره دارد که به‌لحاظ قدمت، ملیت و اصالت هیچ برتری یا کمتری نسبت به بقیه اقوام ندارند. اقوام ایرانی برخلاف اقوام مورد نظر اوکز و دیگران هویت‌های مهاجرتی، دینی یا نژادی مغلوب، اقلیت و یا متأخرتر ندارند. هر قوم در ایران بخشی از ملیتی را می‌سازد که بدون آن هویت ملی نیز رنگ هویت نخواهد داشت. بنابراین با اغماض از این تفاوت اصطلاحی، نظریه اوکز را قابل تعمیم به این پژوهش نیز می‌دانیم.

۴.۳. زبان ترکی

رایج‌ترین زبان گروه آلتایی که بیشترین تعداد گویشور را داراست، زبان ترکی است (کریستال ۱۹۸۷). زبان ترکی از جمله زبان‌های رایج در دنیاست که امروزه میلیون‌ها نفر در جهان به آن تکلم می‌کنند و علاوه‌بر ایران، در کشورهای ترکیه، آذربایجان، بلغارستان، ازبکستان، قرقیزستان، یونان و قبرس نیز به این زبان سخن می‌گویند. البته در دیگر کشورهای جهان نیز میلیون‌ها ترک‌زبان زندگی می‌کنند و تنها در آلمان بیش از سه میلیون نفر و در ممالک آمریکای شمالی نیز افراد ترک‌زبان زیادی به‌عنوان مهاجر زندگی می‌کنند. اینان به شاخه‌های مختلف خانوادهٔ زبانی ترکی سخن می‌گویند. در شاخه‌های این زبان، زبان‌های ترکی آذربایجانی، ترکمنی، قفقازی و ترکی خراسانی وجود دارد (هیئت ۱۳۸۰).

زبان ترکی، بخش اعظمی از شمال غرب ایران، استان‌های آذربایجان شرقی، غربی،

اردبیل، زنجان و حتی بخش‌های قابل توجهی از مناطق مرکزی ایران از جمله، تهران، کرج، قزوین، همدان، استان مرکزی، گیلان و خراسان را دربرگرفته است. در مورد شمار سخنگویان به زبان ترکی آذربایجانی، اتفاق نظر وجود ندارد و برآوردها متفاوت است. تخمین *دانشنامه زبان کمبریج* برای سال ۱۹۸۶، ۱۲ میلیون نفر در کل و ۷ میلیون نفر در ایران (۱۵ درصد) بوده است. *دانشنامه بین‌المللی زبان‌شناسی* نیز در تخمین سال ۱۹۸۶، تعداد سخنگویان به این زبان در ایران را ۷,۷۶۰,۰۰۰ نفر (۱۶ درصد) برآورد می‌کند که به تخمین *دانشنامه زبان کمبریج* بسیار نزدیک است. در این پژوهش معیار هویت قومی تنها زبان است، به این معنا که خاستگاه جغرافیایی مرتبط به‌کلی کنار گذاشته شده است. در واقع این پژوهش با تمرکز بر زبان، بدون در نظر گرفتن نژاد جغرافیایی گویشوران، انجام شده است. شواهد تحقیق میدانی حاکی از آن است که ترک‌زبانان به‌محض اطلاع از درک طرف مقابل و در شرایطی که برای رمزگردانی^۱ زبانی مناسب باشد، به زبان ترکی صحبت می‌کنند و اگرچه شاید تلویحی، زادگاه وی را حدس بزنند اما تفاوت در جغرافیا مکالمه به ترکی را متوقف نمی‌کند. برای توضیح اگر دو طرف مکالمه در نیمه یا ابتدای گفتگو متوجه شوند که از دو نقطه جغرافیایی و از این رهگذر از دو نژاد متفاوت هستند، این تفاوت را به نفع اشتراک زبانی کنار می‌گذارند. یعنی آنچه مهم است، زبان است و در واقع نقطه مشترک هویتی و اتصال دو مشارک گفتگو تنها زبان مشترکی است که در آن موقعیت ترجیح به استفاده از آن را دارند. شاید بتوان گفت ترک‌زبانان خود به‌وسیله رسانه زبان شبکه قومیتی را برای خود تعریف کرده‌اند که آنها را نسبت به یکدیگر مشابه و دارای رویکرد هویتی یکسان نشان می‌دهد و از آنجا که دامنه جغرافیایی و پراکندگی ترکی در ایران بی‌مرز و نامحدود است، این زبان خود زیرمجموعه‌ای از گویش ملی و به‌عبارتی هویت آشکار شده از طریق این گویش خود بخشی از هویت ملی محسوب می‌شود. اینجاست که نگارندگان ادعا می‌کنند که آنجا که پای اشتراک هویت در میان است، زبان می‌تواند بر پیشینه فرهنگی و خاستگاه جغرافیایی پیشی بگیرد.

1) code-switching

۴. تحلیل داده‌های تحقیق

۱.۴. روش تحقیق

گزارش حاضر، شرح یک پژوهش میدانی برای ارزیابی میزان گرایش به آشکارسازی هویت قومی در افراد ترک‌زبان ساکن تهران است که در سال ۱۳۹۳ در شهر تهران انجام شده است. از میان امکانات گوناگون موجود برای تحقیق، روش توزیع پرسش‌نامه انتخاب شده، الگوگیری اولیه پرسش‌نامه برگرفته از تحقیق اوکز و محتوا و ساختار آن بر اساس مقیاس لیکرت^۱، تنظیم شده و پرسش‌های آن از نوع سؤال‌های بسته و پنج‌گزینه‌ای (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) است.

به باور اوکز، برای تحلیل داده‌های پرسش‌نامه‌هایی که به نگرش اشخاص مربوط است، باید با احتیاط کامل گام برداشت (اوکز ۲۰۰۱: ۹۰). پرسش‌نامه اوکز بخشی از یک مطالعه است که هدف آن تعیین اهمیت زبان در هویت قومی است. قسمت اول این پرسش‌نامه شامل پرسش‌های شخصی در مورد افراد و قسمت بعدی آن حاوی پرسش‌هایی با پاسخ‌های بسته پنج‌گزینه‌ای است. پرسش‌نامه مربوط به این نگرش‌سنجی در میان ۱۵۰ نفر مرد و زن ترک‌زبان ساکن شهر تهران، در گروه‌ها و سنین مختلف توزیع شد. در این پژوهش افراد مختلف از نظر سن، تحصیلات، شغل و جنسیت انتخاب شدند و نمونه‌گیری به صورت تصادفی انجام شد. متغیرهای مستقل در این تحقیق عبارت‌اند از: جنسیت، تأهل، سن و تحصیلات که میزان تأثیر این متغیرها بر میزان گرایش به آشکارسازی هویت قومی با استفاده از گویش که یک متغیر وابسته است، در افراد مورد نظر مطالعه شده است. در بخش اول خصوصیات دموگرافیک و نیز متغیرهای مرتبط با فرضیات تحقیق در قالب جداول و نمودارهای آمار توصیفی (توزیع فراوانی و درصد) ارائه شده است. در بخش آمار تحلیلی از آزمون‌های کولموگروف-اسمیرنوف^۲، لون، t مستقل، t تک‌نمونه‌ای، تحلیل واریانس یک‌طرفه بین آزمودنی و دانکن^۳ استفاده می‌شود. برای تجزیه و تحلیل داده‌های استخراج‌شده نیز از نرم‌افزار آماری SPSS ویرایش ۱۸ بهره‌برداری شده است. نتایج حاصله در قالب جداول

1) Likert scale

2) Kolmogorov-Smirnov

3) Duncan

تحلیلی و نمودار به تصویر کشیده شده است.

۲.۴. آمار توصیفی

ابتدا به بررسی متغیرهای مستقل پژوهش می‌پردازیم:

۱.۲.۴. جنسیت

جدول شماره ۴-۱، توزیع فراوانی افراد ترک‌زبان حاضر در این پژوهش را براساس جنسیت نشان می‌دهد.

جدول شماره ۴-۱: توزیع فراوانی آزمودنی‌ها براساس جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد
زن	۷۲	۴۸
مرد	۷۸	۵۲
مجموع	۱۵۰	۱۰۰

جدول بالا گویای این مطلب است که ۱۵۰ نفر از افراد ترک‌زبان ساکن تهران در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند که ۴۸٪ از آنان زن و ۵۲٪ مرد هستند.



نمودار شماره ۴-۱: نمودار دایره‌ای درصد افراد ترک‌زبان حاضر در این پژوهش براساس جنسیت

۲.۲.۴. وضعیت تأهل

جدول شماره ۴-۲، توزیع فراوانی افراد ترک‌زبان حاضر در این پژوهش را براساس

وضعیت تأهل نشان می‌دهد.

جدول شماره ۴-۲: توزیع فراوانی افراد ترک‌زبان براساس وضعیت تأهل

وضعیت تأهل	فراوانی	درصد
متأهل	۸۲	۵۴/۷
مجرد	۶۸	۴۵/۳
مجموع	۱۵۰	۱۰۰

جدول فوق نشان می‌دهد که ۵۴/۷ درصد از شرکت‌کنندگان در این پژوهش، متأهل و بقیه (۴۵/۳ درصد) مجردند.

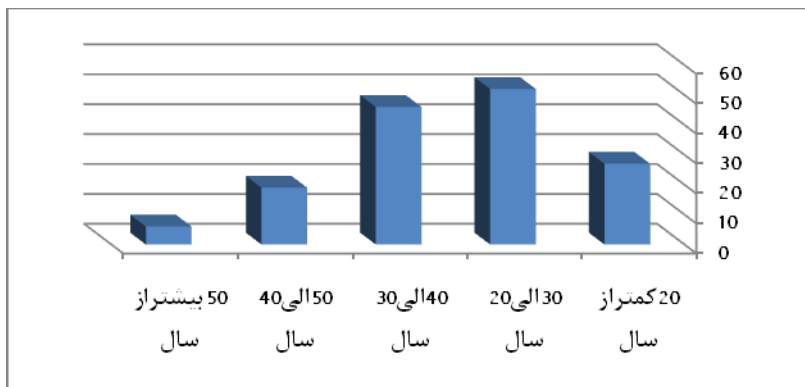
۳.۲.۴ سن

جدول شماره ۴-۳، توزیع فراوانی جامعه آماری مورد بررسی را براساس سن نشان می‌دهد.

جدول شماره ۴-۳: توزیع فراوانی آزمودنی‌ها براساس سن

سن	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کمتر از ۲۰ سال	۲۷	۱۸	۱۸
۲۰ الی ۳۰ سال	۵۲	۳۴/۷	۵۲/۷
۳۰ الی ۴۰ سال	۴۶	۳۰/۷	۸۳/۳
۴۰ الی ۵۰ سال	۱۹	۱۲/۷	۹۶
بیشتر از ۵۰ سال	۶	۴	۱۰۰
مجموع	۱۵۰	۱۰۰	-

جدول فوق نشان می‌دهد که سن اکثر افراد ترک‌زبان ساکن تهران در این تحقیق با درصد ۳۴/۷٪ مابین ۲۰ تا ۳۰ سال است و گروه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال بعد از آن بیشترین فراوانی را دارند (۳۰/۷ درصد)، به این ترتیب ۵۲/۷ درصد از کل جامعه نمونه مورد مطالعه، سنی کمتر از ۳۰ سال دارند.



نمودار شماره ۴-۲: نمودار ستونی درصد فراوانی جامعه نمونه براساس سن

۴.۲.۴. تحصیلات

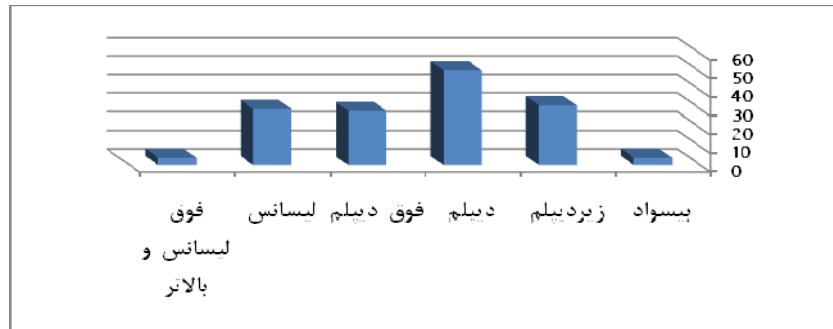
جدول شماره ۴-۴، توزیع فراوانی افراد ترک‌زبان حاضر در این پژوهش را براساس تحصیلات به‌تصویر می‌کشد.

جدول شماره ۴-۴: توزیع فراوانی جامعه آماری براساس تحصیلات

تحصیلات	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
بی‌سواد	۴	۲/۷	۲/۷
زیردیپلم	۳۲	۲۱/۳	۲۴
دیپلم	۵۱	۳۴	۵۸
فوق دیپلم	۲۹	۱۹/۳	۷۷/۳
لیسانس	۳۰	۲۰	۹۷/۳
فوق لیسانس و بالاتر	۴	۲/۷	۱۰۰
مجموع	۱۵۰	۱۰۰	-

جدول شماره ۴-۴ گویای این مطلب است که سطح تحصیلات اکثر پاسخ‌دهندگان (۳۴ درصد) دیپلم است و بعد از آن افراد دارای تحصیلات زیر دیپلم (۲۱/۳ درصد)

۵۸٪ از کل نمونه مورد ارزیابی فاقد تحصیلات دانشگاهی هستند.



نمودار شماره ۴-۳: نمودار ستونی درصد فراوانی افراد ترک‌زبان براساس تحصیلات

۳.۴. فرضیه اصلی پژوهش

فرضیه اصلی پژوهش به این صورت قابل طرح است: افراد ترک‌زبان ساکن تهران تمایل به حفظ هویت قومی خود از طریق زبان را دارند.

برای بهره‌برداری بیشتر از فضای این پژوهش، کلیه گزینه‌های مرتبط با مؤلفه‌های هویت در جدول شماره ۴-۵ به صورت بررسی اطلاعات آماری مربوط به تفکیک پرسش‌ها و پاسخ‌ها خلاصه شده است.

جدول شماره ۴-۵: شاخص‌های آماری مربوط به میزان موافقت با گویه‌های هویت قومی به تفکیک پرسش‌ها

میانۀ واریان س	نما	میانگین (از ۵)	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق	تعداد پاسخ	میزان موافقت
									گویه‌های هویت قومی
۱/۲۶	۴	۵	۴/۰۹	%۵.۳	%۴.۷	%۱۲.۷	%۳۰.۷	۱۵۰	۱. صحبت به زبان ترکی با همسر و پدر و مادر
۱/۴۴	۴	۵	۳/۸۹	%۶	%۱۰	%۱۲	%۳۳.۳	۱۵۰	۲. ترکی صحبت کردن با فرزندان و خواهر و برادر
۱/۶۵	۴	۴	۳/۵۸	%۷.۳	%۱۸	%۱۴	%۳۰.۷	۱۵۰	۳. ترکی صحبت کردن با آشنایان در محیط‌های اجتماعی
۱/۸۸	۳	۲	۳/۰۸	%۱۳.۳	%۳۰	%۱۲	%۲۴.۴	۱۵۰	۴. به کار بردن زبان ترکی در محل کار یا تحصیل
۱/۴۱	۴	۴	۳/۷۲	%۸	%۶	%۲۱.۳	%۳۴	۱۴۹	۵. به کار بردن زبان ترکی در مراسم مذهبی
۱/۲۶	۴	۴	۳/۸۱	%۵.۳	%۸	%۱۸	%۳۷.۳	۱۵۰	۶. آشکار کردن هویت قومی در تهران
۱/۴۰	۴	۴	۳/۷۰	%۵.۳	%۱۱.۳	%۱۹.۳	%۳۰.۷	۱۴۴	۷. استفاده از زبان ترکی برای بیان احساسات
۱/۳۱	۴	۴	۳/۸۰	%۶.۷	%۸	%۱۲.۷	%۴۳.۳	۱۴۹	۸. علاقه به تماشای برنامه‌های به زبان ترکی
۱/۴۱	۳	۴	۲/۸۵	%۱۵.۳	%۲۵.۳	%۲۲	%۲۹.۳	۱۴۷	۹. تغییر کردن معلومات ترکی به دلیل سکونت در تهران
۱/۴۸	۲	۲	۲/۴۹	%۲۳.۳	%۳۶	%۱۴.۷	%۲۰	۱۵۰	۱۰. کم شدن علاقه به زبان ترکی به دلیل سکونت در تهران
۱/۱۶	۴	۴	۳/۹۹	%۵.۳	%۴.۷	%۱۱.۳	%۴۱.۳	۱۴۸	۱۱. مهم بودن آموزش زبان ترکی به فرزندان
۱/۵۵	۴	۴	۳/۶۲	%۱۰	%۷.۳	%۲۱.۳	%۳۳.۳	۱۵۰	۱۲. تدریس زبان ترکی در دانشگاه‌ها

جدول شماره ۴-۶ به بررسی اطلاعات آماری مربوط به گرایش به هویت قومی ترک‌زبانان ساکن تهران می‌پردازد.

جدول شماره ۴-۶: شاخص‌های آماری مربوط به هویت قومی

میانگین	درصد	انحراف معیار	میانگین خطای استاندارد	واریانس
۳/۵۴	۷۰/۸	۰/۷۸۲	۰/۰۶۶	۰/۶۱۲

جدول فوق نشان می‌دهد که میانگین گرایش به هویت قومی افراد ترک‌زبان ساکن تهران حدود ۳/۵۴ است که در حقیقت سطح گرایش به آشکارسازی هویت قومی آنان تقریباً ۷۰/۸ درصد است.

برای تأیید فرضیه فوق از آزمون پارامتریک t تک‌نمونه‌ای^۱ استفاده می‌شود. جدول بالا نشان می‌دهد که میانگین گرایش به هویت قومی در میان ترک‌زبانان ساکن تهران $۳/۵۴ \pm ۰/۷۸۲$ است که بالاتر از حد متوسط است. همچنین جدول شماره ۴-۷ به بررسی تأیید فرضیه اصلی پژوهش می‌پردازد.

جدول شماره ۴-۷: تأیید فرضیه اصلی پژوهش

ارزش آزمون	آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین	نتیجه
۳	۸/۱۲۲	۱۳۷	۰/۰۰۰	۰/۵۴۱	تأیید H ₁

همان‌طور که پیداست، سطح معناداری به‌دست‌آمده از مقدار آماره t بسیار کوچک‌تر از ۰/۰۵ است که نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین مقدار ارزشی با میانگین جامعه وجود دارد. از طرفی با توجه به اینکه میانگین نمونه مورد بررسی در جدول شماره ۴-۷ تا حدودی بیشتر از نمره ارزشی است (تفاوت میانگین = ۰/۵۴۱)، بنابراین افراد ترک‌زبان ساکن تهران تمایل به حفظ هویت قومی خود دارند. پس فرضیه اصلی پژوهش تأیید

1) One-Sample T-Test

می‌شود.

۱.۳.۴. فرضیه فرعی اول پژوهش

گرایش به هویت قومی در بین افراد ترک‌زبان مرد و زن ساکن تهران دارای تفاوت معنی‌داری است.

برای تأیید فرضیه فوق از آزمون پارامتریک تفاوت میانگین بین دو گروه مستقل^۱ استفاده می‌شود. جدول شماره ۴-۸ به بررسی شاخص‌های توصیفی مربوط به متغیر هویت قومی بین دو گروه مردان و زنان می‌پردازد.

جدول شماره ۴-۸: شاخص‌های توصیفی مربوط به فرضیه فرعی اول پژوهش

گروه	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	واریانس	انحراف استاندارد	میانگین خطای انحراف استاندارد
زن	۳/۳۳	۳/۴۱	۴/۷۵	۱	۰/۷۹۰	۰/۸۸۸	۰/۱۰۵
مرد	۳/۷۵	۳/۷۵	۵	۱	۰/۳۴۲	۰/۵۸۴	۰/۰۷۱

جدول فوق نشان می‌دهد که میزان گرایش به هویت قومی در مردان بیشتر از زنان است. همچنین جدول شماره ۴-۹ با استفاده از آزمون t مستقل به بررسی تفاوت هویت قومی و ملی بین دو گروه می‌پردازد.

جدول شماره ۴-۹: بررسی تأیید فرضیه فرعی اول پژوهش

t-test			آزمون لون		
تفاوت میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	آماره t	سطح معناداری	آماره F
-۰/۴۱۸	۰/۰۰۱	۱۳۶	-۳/۲۴۵	۰/۳۰۲	۱/۱۲۳
	۰/۰۰۱	۱۲۱/۷۸۴	-۳/۲۸۳		
			برابری واریانس‌ها		
			عدم برابری واریانس‌ها		

1) Independent Sample T-test

از جدول بالا می‌توان نتیجه گرفت که سطح معناداری ذکرشده در آزمون لون، بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد که نشان‌دهنده برابری واریانس‌ها در دو جامعه (مردان و زنان) است. از طرفی سطح معناداری در آزمون T-test، کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد که نشان می‌دهد با سطح اطمینان ۰/۹۵، گرایش به هویت قومی در بین افراد ترک‌زبان مرد و زن ساکن تهران تفاوت معنی‌داری دارد. پس فرضیه فرعی اول پژوهش تأیید می‌شود یعنی میزان گرایش به هویت قومی در مردان بیشتر از زنان است.

۲.۳.۴. فرضیه فرعی دوم پژوهش

گرایش به هویت قومی در بین افراد ترک‌زبان متأهل و مجرد ساکن تهران دارای تفاوت معنی‌داری است.

برای تأیید فرضیه فوق از آزمون پارامتریک تفاوت میانگین بین دو گروه مستقل استفاده می‌شود. جدول شماره ۴-۱۰ به بررسی شاخص‌های توصیفی مربوط به متغیر هویت قومی بین دو گروه متأهلان و مجردها می‌پردازد.

جدول شماره ۴-۱۰: شاخص‌های توصیفی مربوط به فرضیه فرعی دوم پژوهش

گروه	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	واریانس	انحراف استاندارد	میانگین خطای انحراف استاندارد
متأهل	۳/۶۹	۳/۷۵	۵	۱	۰/۳۹۱	۰/۶۲۵	۰/۰۷۲
مجرد	۳/۳۶	۳/۵۰	۴/۸۳	۱	۰/۸۲۱	۰/۹۰۵	۰/۱۱۳

جدول فوق نشان می‌دهد که میزان گرایش به هویت قومی متأهلان بیشتر از مجردهاست. همچنین جدول شماره ۴-۱۱ با استفاده از آزمون t مستقل به بررسی تفاوت گرایش به هویت قومی بین دو گروه می‌پردازد.

جدول شماره ۴-۱۱: بررسی تأیید فرضیه فرعی دوم پژوهش

t-test			آزمون لون		تفاوت میانگین
سطح معناداری	درجه آزادی	آماره t	سطح معناداری	آماره F	
۰/۰۱۴	۱۳۶	۲/۴۹۲	۰/۱۸۴	۲/۶۹۲	برابری واریانس‌ها
۰/۰۱۷	۱۰۹/۵۴۱	۲/۴۲۸			عدم برابری واریانس‌ها

از جدول بالا می‌توان نتیجه گرفت که سطح معناداری ذکرشده در آزمون لون، بزرگتر از ۰/۰۵ است که نشان‌دهنده برابری واریانس‌ها در دو جامعه (متأهلان و مجردها) است. بنابراین یکی از شروط استفاده از آزمون پارامتریک T-test مستقل رعایت می‌شود. از طرفی سطح معناداری در آزمون T-test، کمتر از ۰/۰۵ است که نشان می‌دهد با سطح اطمینان ۹۵ درصد، گرایش به هویت قومی در بین افراد ترک‌زبان متأهل و مجرد ساکن تهران دارای تفاوت معنی‌داری است. پس فرضیه فرعی دوم پژوهش تأیید می‌شود، یعنی میزان گرایش به هویت قومی در متأهلان بیشتر از مجردها است.

۳.۳.۴. فرضیه فرعی سوم پژوهش

بین تمایل به حفظ هویت قومی و سن افراد ترک‌زبان ساکن تهران رابطه معنی‌داری وجود دارد. برای تأیید فرضیه فوق از آزمون پارامتریک تحلیل واریانس یک‌طرفه بین آزمودنی استفاده می‌شود. جدول شماره ۴-۱۲ با استفاده از آزمون لون به بررسی برابری واریانس‌ها در هر جامعه می‌پردازد.

جدول شماره ۴-۱۲: بررسی برابری واریانس‌ها در فرضیه فرعی سوم پژوهش

سطح معناداری	درجه آزادی دوم	درجه آزادی اول	مقدار آزمون لون
۰/۱۸۵	۱۳۳	۴	۱/۵۷۲

همان‌طور که پیداست، سطح معناداری به‌دست‌آمده از آزمون لون، بیشتر از ۰/۰۵ است. بنابراین واریانس‌ها در هر پنج جامعه (گروه‌های سنی) با یکدیگر برابرند.

همچنین جدول شماره ۴-۱۳ با استفاده از آزمون تحلیل واریانس به بررسی ارتباط بین تمایل به حفظ هویت قومی و سن می‌پردازد.

جدول شماره ۴-۱۳: بررسی ارتباط بین متغیرهای وابسته و مستقل در فرضیه فرعی سوم پژوهش

سطح معناداری	آماره F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	
۰/۰۱۳	۱/۸۲۹	۱/۰۹۴	۴	۴/۳۷۵	بین‌گروهی
-	-	۰/۵۹۸	۱۳۳	۷۹/۵۱۷	درون‌گروهی
-	-	-	۱۳۷	۸۳/۸۹۲	مجموع

جدول فوق‌گویای این مطلب است که سطح معناداری به‌دست‌آمده از آماره F، کوچکتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین با سطح اطمینان ۹۵٪، ارتباط معناداری بین تمایل به حفظ هویت قومی و سن وجود دارد. پس فرضیه فرعی سوم پژوهش تأیید و فرضیه صفر رد می‌گردد. همچنین جدول شماره ۴-۱۴ با استفاده از آزمون تعقیبی دانکن به گروه‌بندی هویت قومی به تفکیک گروه‌های سنی می‌پردازد.

جدول شماره ۴-۱۴: گروه‌بندی هویت قومی به تفکیک گروه‌های سنی

گروه‌بندی با سطح اطمینان ۹۵٪		گروه‌های سنی
دوم	اول	
-	۳/۲۲	کمتر از ۲۰ سال
۳/۵۵	۳/۵۵	۲۰ تا ۳۰ سال
۳/۵۸	۳/۵۸	۳۰ تا ۴۰ سال
۳/۸۱	۳/۸۱	۴۰ تا ۵۰ سال
۳/۹۳	-	بیشتر از ۵۰ سال
۰/۲۶۱	۰/۰۸۶	سطح معنی‌داری

در جدول شماره ۴-۱۴ گرایش به آشکارسازی هویت قومی از کمترین تا بیشترین

میزان طبقه‌بندی شده است که گروه‌های سنی کمتر از ۲۰ سال، ۲۰ تا ۳۰ سال، ۳۰ تا ۴۰ سال و ۴۰ تا ۵۰ سال در یک گروه قرار دارند و نشان می‌دهد، گرایش آنان با سطح اطمینان ۹۵ درصد یکسان است. همچنین بیشترین و کمترین میزان گرایش به هویت قومی به ترتیب در گروه‌های سنی بیشتر از ۵۰ سال و کمتر از ۲۰ سال قرار دارد.

۴.۳.۴. فرضیه فرعی چهارم پژوهش

بین تمایل به حفظ هویت قومی و تحصیلات افراد ترک‌زبان ساکن تهران رابطه معنی‌داری وجود دارد. جدول شماره ۴-۱۵ با استفاده از آزمون تحلیل واریانس به بررسی ارتباط بین تمایل به حفظ هویت قومی و تحصیلات می‌پردازد.

جدول شماره ۴-۱۵: بررسی ارتباط بین متغیرهای وابسته و مستقل در فرضیه فرعی چهارم پژوهش

سطح معناداری	آماره F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	
۰/۰۴۶	۱/۷۴۱	۰/۴۵۸	۵	۲/۲۹۱	بین گروهی
-	-	۰/۶۱۸	۱۳۲	۸۱/۶۰۲	درون گروهی
-	-	-	۱۳۷	۸۳/۸۹۲	مجموع

جدول فوق گویای این مطلب است که سطح معناداری به دست آمده از آماره F، کوچکتر از ۰/۰۵ است، بنابراین با سطح اطمینان ۹۵٪، ارتباط معناداری بین تمایل به حفظ هویت قومی و تحصیلات وجود دارد. پس فرضیه فرعی چهارم پژوهش تأیید و فرضیه صفر رد می‌شود. همچنین جدول شماره ۴-۱۶ با استفاده از آزمون تعقیبی دانکن به گروه‌بندی هویت قومی به تفکیک گروه‌های تحصیلی می‌پردازد.

جدول شماره ۴-۱۶: گروه‌بندی حفظ هویت قومی به تفکیک گروه‌های تحصیلی

گروه‌بندی با سطح اطمینان ۹۵٪		گروه‌های تحصیلی
اول	دوم	
۳/۳۱	-	فوق لیسانس و بالاتر
۳/۴۴	-	زیردیپلم
۳/۵۱	۳/۵۱	فوق دیپلم
۳/۵۶	۳/۵۶	لیسانس
۳/۵۷	۳/۵۷	دیپلم
۴/۳	-	بی سواد
۰/۵۶	۰/۰۶	سطح معنی‌داری

جدول شماره ۴-۱۶ گویای این مطلب است که هویت قومی از کمترین تا بیشترین میزان طبقه‌بندی شده است که گروه‌های تحصیلی فوق دیپلم، لیسانس، دیپلم و بی‌سواد در یک گروه قرار دارند و نشان می‌دهد، گرایش به هویت قومی آنان با سطح اطمینان ۹۵ درصد یکسان است. همچنین بیشترین و کمترین میزان گرایش به آشکارسازی هویت قومی به ترتیب در گروه‌های تحصیلی بی‌سواد و فوق لیسانس و بالاتر قرار دارد.

۴.۴. یافته‌ها، تفسیر و نتیجه‌گیری

باتوجه به بررسی‌های انجام‌شده در این تحقیق و تحلیل جداول و نمودارها می‌توان گفت که افراد ترک‌زبان ساکن تهران گرایش نسبتاً بالایی به حفظ و آشکار کردن هویت قومی خود از راه زبان دارند. بررسی شاخص‌های توصیفی مربوط به گرایش به هویت قومی میانگین ۳/۵۴ را نشان می‌دهد که در حقیقت ۷۰/۸ درصد را به خود اختصاص داده است. بررسی آماری تحقیق نشان داد که میانگین گرایش مردان به حفظ هویت قومی ۳/۷۵ و زنان ۳/۳۳ از حداکثر ۵ است که بیانگر این حقیقت است که مردان گرایش بیشتری به حفظ و نشان دادن هویت قومی خود دارند و گرایش به هویت

قومی در مردان و زنان دارای تفاوت معناداری است.

متغیر دیگری که همبستگی آن با گرایش به هویداسازی هویت قومی مورد بررسی قرار گرفت، تأهل افراد بود. بررسی شاخص‌های توصیفی مربوط به آنها نشان داد که افراد متأهل دارای میانگین پاسخگویی ۳/۶۹ و افراد مجرد ۳/۳۶ هستند و با بررسی آزمون t و به دست آمدن سطح معناداری ۰/۰۱۴ به این نتیجه می‌رسیم که تفاوت معناداری بین افراد متأهل و مجرد در میزان گرایش به حفظ و نشان دادن هویت قومی وجود دارد و افراد متأهل تمایل بیشتری به حفظ هویت قومی خود دارند.

همبستگی دیگری که مورد بررسی قرار گرفت، تأثیر متغیر سن بر میزان گرایش به هویت قومی افراد بود. بررسی میانگین پاسخ‌های افراد در سنین مختلف نشان می‌دهد که افراد کمتر از ۲۰ سال با میانگین پاسخ ۳/۲۲، دارای کمترین گرایش به تظاهر هویت قومی و افراد بالای ۵۰ سال با میانگین ۳/۹۳، دارای بیشترین میزان گرایش به تظاهر و حفظ هویت قومی بوده‌اند. همچنین بررسی سطح معناداری حاصل از آماره F، با عدد ۰/۰۱۳ نشان می‌دهد که ارتباط معناداری بین سن افراد و میزان گرایش به هویت قومی آنها وجود دارد. و به این نتیجه می‌رسیم که با افزایش سن افراد، تمایل آنها به حفظ هویت قومی شان بیشتر می‌شود.

متغیر دیگری که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، تحصیلات افراد و تأثیر آن بر گرایش به حفظ هویت قومی بود. بررسی آزمون تحلیل واریانس، سطح معناداری ۰/۰۴۶ را نشان می‌دهد و نتیجه می‌گیریم که ارتباط معناداری بین تحصیلات افراد و میزان گرایش آنها به حفظ و نشان دادن هویت قومی وجود دارد. افراد با تحصیلات فوق لیسانس دارای کمترین میانگین پاسخ یعنی ۳/۳۱ و کمترین میزان گرایش به آشکارسازی هویت قومی و افراد گروه تحصیلی بی‌سواد با میانگین ۴/۳ دارای بیشترین میزان گرایش به آشکارسازی هویت قومی بوده‌اند.

تغییر در نگرش افراد جامعه نسبت به زبان، گویش و لهجه محلی زاینده تغییر در نگرش کلی تری در جامعه است که خود از تحولات جامعه ناشی می‌شود. تأکید بر استانداردهای ملی، از جمله زبان معیار، اگرچه بایسته و ضرورتی انکارناپذیر است اما نباید به قیمت نادیده انگاشتن زبان‌ها و گویش‌های قومی تمام شود. یافته‌های این

تحقیق نشان می‌دهد، جنسیت متغیری تأثیرگذار بر نگرش افراد به هویت قومی است. مطالعات جامعه‌شناختی نشان می‌دهد زنان گونه‌ی زبانی دارای منزلت اجتماعی را بیشتر از مردان ترجیح می‌دهند. این پژوهش نشان می‌دهد زنان ترک‌زبان گونه‌ی زبانی معیار را بر آشکارسازی هویت قومی خود ترجیح می‌دهند. این نتیجه از یک‌سو نشان می‌دهد نزد زنان هویت ملی بر هویت قومی ارجح است. این تعبیر نیز محتمل است که این گرایش به‌سبب دریافت فرصت‌های اجتماعی باشد که زنان آن را در گرو کتمان هویت قومی خود می‌بینند. از سوی دیگر زنان به‌عنوان تربیت‌کنندگان نسل جدید، سیر تغییرات زبانی را از گویش محلی به سمت زبان ملی هدایت می‌کنند.

گرایش بیشتر افراد متأهل به حفظ و تظاهر هویت قومی نسبت به افراد مجرد، کفه‌ی ارزش‌های اجتماعی زبان را در گویش یا زبان قومی در مقایسه با زبان ملی نزد این گروه سنگین‌تر می‌کند. این یافته نشان می‌دهد معنی منزلت یا جاهت در دوره‌های مختلف زندگی انسان‌ها تغییر می‌کند و آنچه در دوران تجرد مایه‌ی دستیابی به مزیت اجتماعی است، لزوماً در دوران تأهل نیز منزلت یا مزیت‌آور نیست.

اما تمایل کمتر نسل جوان نسبت به نسل مسن، در به‌کار بردن ابزار تظاهر هویت قومی بیش از هر متغیر دیگری نشان‌دهنده‌ی این نتیجه است که تغییری، اگرچه بسیار بطئی، در نگرش افراد جامعه نسبت به هویت قومی در شرف تکوین است. تغییرات قابل مشاهده در الگوی رفتار زبانی نسل جدید، مطالعه‌ی در طول زمان با معیار زمان ظاهری را در اختیار می‌گذارد که می‌توان از آن طریق، تغییرات در حال شکل‌گیری را پیش‌بینی کرد. اینکه نسل جوان بی‌پروا، محافظه‌کاری و به اصطلاح رودربایستی‌های زبانی را کنار می‌گذارد و مفهوم هویت قومی در نظر او معنایی متفاوت از دیدگاه پدران می‌یابد، با دستاوردهای این پژوهش تأیید می‌شود.

با رشد اجتماعی افراد از طریق تحصیلات، میزان وابستگی آنان به زبان رسمی افزایش می‌یابد. افراد با رشد در محیط‌های آموزشی به زبان ملی خو می‌گیرند و بخشی از اعتبار روزمره‌ی خود را در گرو تظاهر به تعلق به زبانوران معیار می‌دانند، گروهی که نه‌تنها در تحصیلات مشترکات جدی با هم دارند، بلکه در ابزار بیان آن نیز به‌گونه‌ای عمیق به هم شباهت پیدا می‌کنند.

مطالعات زبان‌شناسی اجتماعی در دهه‌های اخیر پرده از تغییرات نظام‌مندی برمی‌دارد که بدون آنها به تمایلات درهم‌ریخته‌ای تعبیر می‌شده است که هیچ‌گونه تعمیم و نظریه‌پردازی‌ای بر آنها مترتب نبوده است. با کمک این مطالعات آنچه به‌نظر، رفتار فردی، گرایش شخصی، تمایلات انفرادی و عادات کور و بی‌منطق تلقی می‌شود، در واقع بخشی از الگوی واحدی است که بیش از هرچیز از رفتارهای اجتماعی و گروهی انسان ناشی می‌شود.

گرایش افراد به کتمان یا آشکارسازی هویت قومی، اگرچه در جای خود بازتاب موفقیت‌ها و شکست‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها و مزایا و محرومیت‌هایی است که زاییده انتساب به یکی از این روش‌هاست، اما نمادها و نشانه‌های خود را در عناصر هویت، بروز می‌دهد که یکی از اصلی‌ترین آنها زبان است. برنامه‌ریزی زبانی و فرهنگی می‌تواند با تشخیص و شناسایی به‌جا، به‌هنگام و منطقی مسائل زبانی از همه تهدیدها فرصت بسازد و آمیختگی زیبای هویت قومی با هویت ملی را قوام بخشد.

منابع

- احمدلو، حبیب، ۱۳۸۶، *بررسی رابطه میان هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز*، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- برگر، پیتروال، لوکمان، توماس، ۱۳۷۵، *ساخت اجتماعی و واقعیت: رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت*، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران.
- ربانی، جعفر، ۱۳۸۱، *هویت ملی*، تهران.
- داوری اردکانی، نگار، ۱۳۸۵، «شأن زبان فارسی به‌عنوان زبان ملی»، *مجله نامه پارسی*، ش ۱۱، ش ۲، ص ۱۷-۲۹.
- ____، ۱۳۸۶، «نمادهای هویت ایرانی و زبان فارسی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۳۰، ص ۳-۲۶.
- شیخاوندی، داور، ۱۳۷۹، *تکوین و تنفیذ هویت ایرانی*، تهران.
- فالك، جولیا، ۱۳۷۳، *زبان‌شناسی و زبان*، ترجمه خسرو غلامعلی‌زاده، مشهد.
- گودرزی، حسین، ۱۳۸۴، *گفتارهایی درباره زبان و هویت*، تهران.
- میرمحمدی، داوود، ۱۳۷۴، *مطالعه و بررسی مؤلفه‌های بارز هویت فرهنگی و قومی مردم بلوچ*، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- هیئت، جعفر، ۱۳۸۰، *سیری در تاریخ زبان و لهجه‌های ترکی*، چاپ سوم، تهران.
- یوسفی، علی، ۱۳۸۰، «هویت قومی و رابطه آن با هویت ملی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۹، ص ۲۰۱-۲۱۳.

- BARHA, C. 1996, *Constructing Different Ethnic Identities*, Budapest.
- BROWN, M. 1995, *Social Identity Processes*, Los Angeles.
- BUZAN, B., 2004, "Security Studies , Beyond Strategy ", www.Yorku.Dald
- CLÉMENT, R. and NOËLS, K. A., 1999, "Motivational Orientations and Self-Determination", *Modern Language Journal* 83, pp. 23-34.
- CONNOR, W., 1978, "A Nation is a Nation, Is a State, Is an Ethnic Group, Is a...", *Ethnic and Racial Studies* 1, pp. 377-400.
- CRYSTAL, D., 1987, *The Cambridge Encyclopedia of Language*, Cambridge.
- EDWARDS, J., 2009, *Language and Identity*, Cambridge.
- FISHMAN, J., 2010, *Handbook of Language and Ethnic Identity*, 2nd edition, vol. 1, Oxford.
- FRENCH, S., 2006, "The Development of Ethnic during Adolescence", *Developmental Psychology*, vol 22, no.1, pp. 1-10.
- Gill, S. K., 2009, "Ethnic and National Identities in Multicultural Contexts", *The Routledge International Companion to Multicultural Education* , ED/ ME 14, pp. 7-17.
- Giles, H. and JOHNSON, P., 1981, "Ethnolinguistic Identity Theory", *International Journal of the Sociology of Language* 13, pp. 68-69.
- GUMPERZ, J. (ed.), 1982, *Language and Social Identity*, Cambridge.
- JOSEPH, J. E., 2004, *Language and Identity: National, Ethnic, Religious*, Macmillan.
- LEWICKI, Z., 2010, "One Community, Many Identities: Language, Ethnicity and Nationality among Bhutanese Refugees in South Philadelphia", *Contributions to Nepalese Studies*, vol. 25, pp. 143-161.
- LIAMAS, C. and WATT, D., 2010, *Language and Identity*, Edinburgh.
- OAKES, L., 2001, *Language and National Identity: Comparing France and Sweden*, Amsterdam.
- SABATIER, C., 2008, "Ethnic and National Identity among Second-Generation Immigrant Adolescents in France", *Journal of Adolescence* 31, pp. 185-205.
- SHAMAI, J. S., 2003, *Ethnic and National Identity among Jewish Students in Toronto*, Ph.d Thesis, University of Toronto.
- UMANA-TAYLOR, A. J., 2008, "A Longitudinal Examination of Latino Adolescents' Ethnic Identity, Coping with Discrimination, and Self-Esteem", *Journal of Adolescence* 28, no.1, pp.16-50.
- UMANA-TAYLOR, A. J. and FINE, B. M., 2004, "Developing the Ethnic Identity Scale Using Eriksonian and Social Identity Perspectives", *Identity: An International Journal of Theory and Research* 4 (1) , pp. 9-38.
- UMANA-TAYLOR, A.J. and YAZEDJIAN, N., 2006, "An Examination of Ethnic Identity and Self-Esteem with Diverse Populations: Exploring Variation by Ethnicity and Geography", *Cultural Diversity and Ethnic Minority Psychology*, vol. 13, no.2, pp. 178-186.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی